ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۸۸۵۰۱۳۰۰
_۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

شنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۹- شماره ۶۶۴۷

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

www.INN.ir

info@inn.ir

خارج از گود

شهرام وزیری

یارب مدار که کسی خارج شود از «مدار»!

این جناب پرفروغی که فعلاً به اعتباری با روشنگری برق ورزش جام جم را کلید می‌زند در مورد یک فقره مجری مغضوب البته خیلی محبوب یک متروند سانتی فرموده‌اند: «چون طرف مربوطه از «مدار» زده بود بیرون و با بی‌اعتباری داشت جام با اعتبار جم‌مان را می‌شکست، اخراجش کردیم»!

این جناب مداریان با مرام فوتبال فرمودند اما نفرمودند تعریف مدار و چگونه در مدار بودن چیست و به اعتباری از اتوبان آسفالته مدار سیما خارج شدن و به جاده خاکی زدنش چه معنایی دارد. نفرمودند تعریف این مدار در قاموس و فرهنگ لغات صداخان و سیماجان چیست. آیا این مدار که نباید از آن خارج شد، تنها در بلندای جام جم دور آنتن‌های سربلندش چرخان است یا گستره این مدار دولت فخیمه و مجلس نشینان فهیمه و ایضا جای جای این دیار را هم دربر می‌گیرد!؟

جناب مداریان با مرام فوتبال فرمودند اما نفرمودند جدا از این همه مدار که البته درونش کم نیستند کسانی که مصلحت طلبانه و منفعت جویانه با چرخ پشت چرخ زدن به هر طرف چرخانند این میان «مدار ملت» درکجای این همه مدار و درکجای قاموس صداخان و سیماجان تعریف شده است!؟

ای داور زمانه ملوک زمانه را/جز در ارادت تو مسیر و مدار نیست!؟

جناب داور سیمایی‌مان لطف نکردند بگویند مگر نه اینکه بنا بر سیاست گذاری‌های تان از سر تا ته آن جام جم بخوانش «جای جمع» خاص! آنچه به نمایش می‌گذارید باید به چشم و دل و عنایت عام که همین مردم باشند، بنشیند. مگر نه اینکه از دل و از قبل پخش همین فوتبال همه سر سود برای شما هر شب قبل و وسط و بعد هر فوتبال با پخش آگهی‌های لاکچری نما و نمایش بخور بخور چندش آور انواع و اقسام برندهای غذایی و دیگر آگهی‌های باسمه‌ای مدام آنها را تو چشم و چار همین مردم گرسنه و گرفتار و یارانه بگیر و معیشت خواه می‌کنید تا از هر ثانیه و دقیقه پخشش میلیاردها در درون جام‌تان ریخته شود. شما بگویید آیا این است مدار مردم و معنای مردمی بودن در قاموس سیماجان‌تان!؟

شما به عنوان مداریان ورزش صدا و سیما لطف کنید بگویید کدام آدم مولد و کاربلد و مجری متشخص و با کاریزمایی بود که در بیست و اندی سال اخیر با تولید و اجرای کارسازترین و محبوب‌ترین برنامه ورزشی مردم را دوشنبه شب‌ها برای دیدن و شنیدن فساد در بستر فوتبال و معضلات و نابه‌سامانی‌هایش به پای برنامه پربیننده‌اش کشاند و تا سحر بیدار نشاند تا از قبل پخش همین آگهی‌های میلیاردی جام‌تان پر پول‌تر شود!؟

جنابعالی به عنوان مداریان ورزش صدا و سیما لطف کنید مروری به جای جای این ورزش و همین لیگ فعلاً کرونازده و تماشاگرزده‌مان بیندازید؛ نگاهی به سر و سینه‌های خالکوبی شده و موهای دم اسبی و فرخورده و نخورده و ژل زده و تل زده بازیکنانش که هفته به هفته به نمایش می‌گذارید، بیندازید. آن وقت است که ملتفت می‌شوید چی شد که به جبر روزگار این قدر دیر متوجه میل و خواست و تمنیات همین مردم و جوانان جامعه‌مان شده‌اید!

گیر دادن به موهای فرفری ان پویول اجنبی تبار در کنار رفتن آبروی فوتبال مارفت و به تاریخ پیوست اما شما اینک به عنوان کسی که به اعتباری سیاست گذار ورزش سیما هستید، حداقل سعی کنید با توجه به پویایی ذات فوتبال کمی تا قسمی در سیاست گذاری‌های ورزش سیما پویا باشید تا از زمانه عقب نیفتید!

جنابعالی نگاهی به همین تتمه ابواب جمعی خود بیندازید... آن عادل که از مدار خارج شد و رفت و آن میرزایی که بادلخوری و بی‌توجهی شما با طیاره‌نشینی به دیار بانکی‌ها پناه برد و آن آقای زمانی هم که نمی‌دانیم کجاست. از شما توقع می‌رود دور و بر خود را دلسوزانه‌تر نگاه کنید، بیشتر مواظب باشید و دعا کنی؛ یارب مدار که کسی خارج شود از مدار!

حالا هم شما بگویید غیر از همین یوسفی‌ها و جاودانی‌ها و احمدی‌ها و کاویانی‌ها در جلوی پرده و آن ذکایی‌ها در پس پرده سیما چند تا آدم معتبر و کاردان کنارتان مانده تا فردا در پس امروز دست شما و ورزش سیما را بگیرند!؟ همین و تمام.

عکس روز

اعتراض بیرو

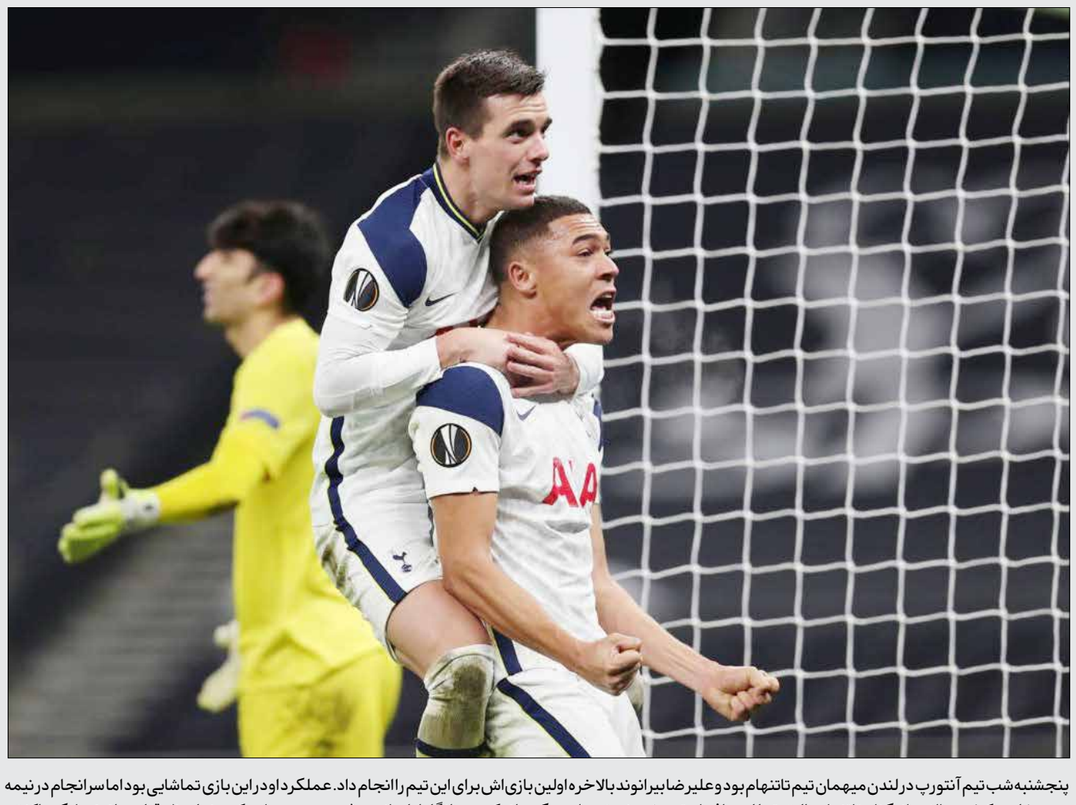

پنجشنبه شب تیم آنتورپ در لندن میهمان تیم تاتنهام بود و علیرضا بیرانوند بالاخره اولین بازی‌اش برای این تیم را انجام داد. عملکرد او در این بازی تماشایی بود اما سرانجام در نیمه دوم مغلوب کیفیت بالای بازیکنان تاتنهام و البته تعلل مدافعان تیم خودش شد. این عکس اندکی بعد از گل اول بازی به ثبت رسیده. جایی که چند لحظه قبل بیرانوند با یک واکنش دیدنی موفق شد ضربه آزاد استادانه گرت بیل را مهار کند اما در برگشت، وینیسیوس که اینگونه دست به سینه ایستاده، موفق شد زودتر از مدافعین بلژیکی به توپ برسد و دروازه علیرضا را باز کند. اعتراض بیرانوند به مدافعان تیمش در این تصویر کاملاً مشخص است.

طنزیم

هومن جعفری

آژانس هوایی تراکتور

تماشای سنگربانی بیرانوند مقابل تاتنهام لذتبخش بود. یادش بخیر یک زمانی هفته‌ای چند بار این لذت را با تماشای بازی‌های لژیونرهای پرتعدادمان در اروپا می‌بردیم. مدت‌هاست کمرنگ شده‌ایم. کاش بازیکنان بیشتری را به اروپا بفرستیم.

❖

منصوریان را از تراکتور برکنار می‌کنند. زیدان را در رئال تحت فشار قرار می‌دهند. این سمت محمود فکری را در استقلال اذیت می‌کنند. رونالد کومان هم در بارسا اوضاع خوبی ندارد. این ۱۴۰۰ کی می‌رسد پس؟

❖

یک تشکری هم داشته باشیم از فرشید اسماعیلی! درست قبل از بازی با شهرخودرو یک درگیری در تیم راه انداخت و از سوی فکری در اختیار باشگاه قرار گرفت!

انصافاً اگر فرشید در آستانه این بازی، این کار را نمی‌کرد کسی اصلاً یاد مهدی رحمتی و باند سفتا و این بحث‌ها می‌افتاد؟

❖

یک تبریکی هم بگوییم به تراکتورسازی در مورد برکناری ششمین مربی خود در دو سال و نیم اخیر! انصافاً این تیم وضعیتش عین جوان‌های امروزی شده. هر سه ماه یکبار نیمه‌گشده زندگی خودشان را عوض می‌کنند! توصیه می‌کنیم استاد زنوزی چهار بازی یکبار مربی موقت بیاورند. هرکسی می‌آید دیگر با خودش بار و بندیل نیاورد تبریز. صاف برود هتل، مربی بدبخت قبلی را با کتک از اتاق بیرون کند و خودش در همان اتاق مربیگری کند تا چهار بازی بعدی که مربی بعدی از راه برسند!

این مشکلی است که با مدیران غیرورزشی داریم. قبلاً غمخوار از هلتداری آمد پرسپولیس، فکر کرد هتل است، همه لیست تیمش را همان شب اول پر کرد! زنوزی آژانس هوایی دارد، فکر می‌کند مربیان تیمش هم مشتری هوایی هستند. از یک در وارد می‌کند از در دیگر خارج!

نفر به نفر

میعاد نیک

سودای باطل زنوزی عجول

علی ماند و حوضش!

در دلایل پیوستن علیرضا منصوریان به تیم تبریزی همان قدر ابهام وجود داشت که در نحوه و زمان جدایی بسیار زود هنگام‌اش از تراکتور. پرشورها که لیگ نوزدهم را با ایستادن روی پله چهارم جدول و کسب عنوان قهرمانی جام حذفی به پایان رساندند، با توجه به عقبه باشگاه و حساب پریول مالک متمول تراکتور انتظار داشتند تا کسی در حد و اندازه‌های جان توشاک، تونی اولیویرا و یا حداقل مصطفی دنیزلی به تبریز سفر کند. محمدرضا زنوزی اما در اقدامی عجیب و شاید هم بی‌منطق با منصوریانی دست همکاری فشرد که پس از تجربه تقریباً موفق‌اش در تیم نفت تهران، هیچ موفقیت خاصی را در استقلال و یا ذوب آهن تجربه نکرد و تقریباً سایه اکت‌های توجه برانگیزش کنار خط طولی زمین از یاد هواداران فوتبال فراموش شده بود.

حضور علیرضا منصوریان در تبریز گرچه می‌توانست نقطه عطفی در کارنامه سرمربیگری‌اش باشد اما او نتوانست از پس مدیریت ستاره‌های بین‌المللی‌اش بربیاید و البته که در تقابل با مدیران همیشه دخالت‌کننده هم بسیار ناتوان بود. محمدرضا زنوزی که بارها نشان داده همه‌کاره تیم تبریزی است و عملاً پست‌های مدیرعاملی و هیأت‌مدیره هم در ساختار اداری این باشگاه فرمالیته هستند، خودش برید و خودش دوخت تا وضعیت تراکتور به این نقطه برسد. منصوریان شخصاً با زنوزی به توافق رسید اما درست جایی که مالک تراکتور می‌توانست از او حمایت کند، پشت این سرمربی جوان را خالی کرد تا نقش پلیس بد را اعضای هیأت‌مدیره باشگاه تبریزی بازی کنند و علی منصور هم تنها بماند با حوضش.

بازخورد و راندمان عملکرد تراکتور در ۵ هفته ابتدایی لیگ بیستم با هزینه‌هایی که برای این تیم شده هیچ سنخیتی نداشت اما مسئولان بلندپایه این باشگاه می‌توانستند کمی به سرمربی جوان خود بها و انگیزه بدهند تا فیلمنامه مدیریت باشگاهی به سبک اعراب حاشیه خلیج فارس در تبریز مجدداً تکرار نشود. حالا تراکتور مانده و سودای سرمربیان خارجی که بعید است بتوانند به ایران بیایند، شاید اواخر فصل کار به جایی برسد که تی‌ها دل‌شان برای علی منصور هم تنگ شود.

تک به تک

سامان موحدی راد

تراکتور و حرکت در مسیر همیشه غلط

اصرار بر راه اشتباه

تراکتور یک فصل دیگر را با بحران روی نیمکت تیمش شروع کرد. آنها در چند فصل اخیر همیشه مجبور به تغییر مربی در میانه فصل شدند و این فصل هم همان داستان تکراری برای آنها رخ داد و در هفته پنجم رقابت‌های لیگ برتر اولین اخراج به اسم علیرضا منصوریان گره خورد. مسأله‌ای که البته پیش‌تر هم قابل پیش‌بینی بود و بعد از عقد قرارداد منصوریان و تراکتور در تابستان ۹۹ خیلی‌ها حدسش را می‌زدند که منصوریان برف تبریز را نبیند. البته که بخت با او یار بود و او برف پاییزی تبریز را هم دید و حالا بنا به تصمیم هیأت مدیره باید از باشگاه برود. باشگاه تراکتور علت اخراج منصوریان را «عدم تحقق اهداف تعیین شده در هنگام عقد قرارداد» عنوان کرده است. چیزی که مشخصاً با شش امتیاز کسب شده توسط این تیم در پنج هفته و جایگاه دوازدهمی‌شان در جدول در ارتباط است. نگاهی به بازی‌های تراکتور در این هفته‌ها هم نشان می‌دهد که تیم منصوریان توفیقی در ارائه بازی زیبا و تماشاگرپسند نداشته و به این ترتیب آنها نه بازی جذابی به نمایش گذاشتند و نه تیم نتیجه‌گرایی بودند و چنین کارنامه‌ای در شهری مانند تبریز معنای جز قطع همکاری و اخراج ندارد.

نگاهی به کارنامه مربیگری علیرضا منصوریان در چند سال اخیر نشان می‌دهد که یکی از چهره‌های جوان که پنج سال پیش می‌شد او را استعدادی برای آینده مربیگری در ایران دانست در سراشیبی سقوط است. انتخاب‌های اشتباه، رفتارهای پرحاشیه و مهم‌تر از همه وقت نگذاشتن برای آموزش و یادگیری علیرضا منصوریان را به چهره‌ای پرانتقاد در فوتبال ایران تبدیل کرده است. مردی که در روزهای حضور در استقلال هم بارها به او تذکر داده شد که رفتار و منش حضورش در کنار تیم موجب می‌شود تا حاشیه بر متن غلبه کند و به جای اینکه او، عملکرد فنی و توان هدایتش دیده شود این حواشی و ژست‌ها و اظهارنظرهای اغلب ناپخته‌اش مورد توجه قرار بگیرد. واقعیت این است که کارنامه علیرضا منصوریان هم این ایده را تأیید می‌کند که او در دنیای مربیگری خیلی کمتر از توجهی که به او شده چیزی برای ارائه دارد و کارنامه‌اش در حال تبدیل شدن به حضورهای ناموفق و پرانتقاد است.

علیرضا منصوریان خیلی زود ممکن است به پایان خط مربیگری‌اش در فوتبال برسد اگر کمی به خودش نیاید و زندگی حرفه‌ای‌اش را جدی نگیرد. انتخاب‌های اشتباه و پر حاشیه در کنار عدم تمرکز روی ذات مربیگری و لیز خوردن فراوان او به سمت حاشیه‌ها شاید او را چند روزی تیتر یک خبرگزاری‌ها کند اما کارش را روی نیمکت خیلی زود به پایان می‌رساند. آنچه این سال‌ها در منصوریان دیده می‌شود اصرار او بر بیمودن یک راه اشتباه در زندگی حرفه‌ای است.

گزارش یک پرونده

سام ستارزاده

دو زاویه از جدایی

منصوریان – تراکتور؛ یک باخت دوطرفه

مسیر مشترک تراکتور و علیرضا منصوریان را از همان ابتدا می‌شد یک مسیر تاریک و بی‌سرانجام پیش‌بینی کرد. منصوریان بدون این‌که شایستگی عملی هدایت نیمکت تیمی به بزرگی پرشورهای تبریز را از خود نشان دهد، به لطف قانون بی‌اساس منع جذب مربی خارجی پایش به دره گرگ‌ها گشوده شد تا هشتمین سکاندار نیمکت آنان (از ابتدای لیگ هفدهم تاکنون) گردد. انتهای این مسیر، ضعف‌های هر دوی تراکتور و منصوریان را بار دیگر به رخ کشید.

زمانی که منصوریان چهل‌واندی ساله نفت تهران خدابیامرز را به جمع هشت تیم برتر آسیا رساند، این رویا را در سر می‌پروراندیم که او استفاده از امکانات و ابزار آنالیز مدرن را در فوتبال باشگاهی ما جابیندازد اما از زمان آغاز کارش در استقلال، تنها ادبیات پرطمطراق را از دیارهای غربی برای ما بومی‌سازی کرد. پس از سپری کردن دو سال کابوس‌وار با استقلال و ذوب‌آهن، به تراکتور که رسید، تلاش کرد با نمایش‌هایی اغراق‌آمیزتر از گذشته دل پرشورها را به دست بیاورد. پست‌های مربوط به استقلال را از اینستاگرامش پاک کرد تا بتواند فراموش کند زمانی یک «داشعلی» دوست‌داشتنی در اردوگاه آبی‌های پایتخت بوده.

اما نه تشبیه ورزشگاه یادگار امام به آنفیلد، نه به‌کارگیری زبان ترکی و نه تملق‌های دیگرش از هواداران تبریزی برای وی برنامه نشدند. علی منصور در تبریز غنی‌ترین خط هافبک لیگ را در اختیار داشت اما تیمش برای خلق موقعیت فاقد برنامه بود. در آخرین حضورش در دره گرگ‌ها، تیمش صفر موقعیت برابر فولاد خلق کرد اما کنفرانس مطبوعاتی وی ۲۱ دقیقه به طول انجامید. اکنون هر فوتبال‌دوست ترک تباری مثل «به عمل کار برآید، به سخن‌دانی نیست» را به‌خوبی درک می‌کند. پرشورها صلوات شمار را دست سرمربی سابقشان دیدند و مضمون داستان مشهور سرالکس فرگوسن در باب دعا کردن خودی‌ها و رقبا را با گوشت و پوستشان درک کردند.

از سویی دیگر، مدیریت تراکتور با برکناری منصوریان بر بی‌برنامگی خود مهر تأیید زد. باشگاه تبریزی علت قطع همکاری را «عدم تحقق اهداف تعیین‌شده در هنگام عقد قرارداد» اعلام کرد. وقتی این برکناری به فاصله کمتر از سه ماه پس از انتصاب و با تنها پنج بازی صورت می‌گیرد، پیام روشنش این است که هیچ‌یک از این اهداف تعیین‌شده درازمدت یا کوتاه‌مدت نبودند. سپردن این نیمکت به منصوریان یک اشتباه بزرگ بوده؛ و ستودن آن از وی یک اشتباه بزرگ‌تر؛ چرا که اقدم دوم به‌قدری نسنجیده صورت گرفت که مدیریت باشگاه حتی برای جانشین سرمربی سابق چاره‌ای در سر نداشت. تنبیه این تنوع طلبی بدهنگام نیز این است که در آستانه شهرآورد تبریز، هدایت موقت تراکتور بزرگ به مسعود شجاعی اهدا شده!

ثبات، گمشده تیم رویایی اما نیمه‌کاره محمدرضا زنوزی است. میانگین عمر مربیان سه سال اخیر تیم وی به زیر ۱۰ بازی رسیده. این در حالی است که تراکتور از همین حالا برای حضور قدرتمند در دور گروهی لیگ قهرمانان آسیای ۲۰۲۱ باید برنامه داشته باشد. ماشین‌سازی، دیگر تیم زنوزی نیز در سه فصل گذشته شش سرمربی مختلف به‌خدمت گرفته که آخرین آنها، وحید بیاتلو، استعفای خود را چند روز پیش امضا کرد. باشگاه‌داری و مدیریت ورزشی از تأمین البسه به‌مراتب پیچیده‌تر است؛ چراکه نیازمند آینده‌نگری، تفکر چندلایه و اجرای صبورانه برنامه‌های طرح‌ریزی‌شده است.

نماد باشگاه‌داری خصوصی کشور می‌تواند به موفقیت‌های مثال‌زدنی برسد؛ ولی به شرطی که در گام اول در جایی غیر از جیب مالکانش کاستی‌هایش را جست‌وجو کند.

مدیریت تراکتور با برکناری منصوریان بر بی‌برنامگی خود مهر تأیید زد. باشگاه تبریزی علت قطع همکاری را «عدم تحقق اهداف تعیین‌شده در هنگام عقد قرارداد» اعلام کرد. وقتی این برکناری به فاصله کمتر از سه ماه پس از انتصاب و با تنها پنج بازی صورت می‌گیرد، پیام روشنش این است که هیچ‌یک از این اهداف تعیین‌شده درازمدت یا کوتاه‌مدت نبودند.

کرنر

مازیار گیلکان

مربیانی که درس می‌گیرند و برکنار می‌شوند!

داستان مربیان در تراکتور کمی پیچیده شده است. همین اواخر را مرور کنیم. فصل گذشته ساکت الهامی و تراکتور با آن نمایش ضعیف در فینال که هر چه از بازی گذشت شباهتش را به فوتبال از دست داد، فینال جام حذفی را به یک بازی بی‌شباهت به فینال تبدیل کردند. قهرمان شدند اما ساکت الهامی نتوانست به رغم قهرمانی جایگاهش را در تراکتور حفظ کند.

فرصت مربیگری با تقدیر و تشکر از زنوزی ساخته نمی‌شود، بلکه با اجرای ایده و فکر ساخته می‌شود. ساکت الهامی رفت تا منصوریان جانشین او باشد.

منصوریان چندی پس از آنکه می‌خواست با اشاره به آموختن زبان ترکی در تبریز دلبری کند، فهمید که باید تبریز را ترک کند. آغاز بد از عادات مربیگری منصوریان است اما این توجیه خوبی برای ناکامی آغازین تراکتور در لیگ برتر نبود و منصوریان را در موقعیت دشواری قرار داد. تراکتور اگرچه به دلیل شیوع کرونا بدون تماشاگر بازی می‌کند اما واکنش‌های هوادار در ورزشگاه به واکنش‌های مجازی تبدیل شده و منصوریان خیلی زود تحت تأثیر همین واکنش‌ها کارش به پایان رسید. پیش‌تر روشن بود که کار در تراکتور یک وجهش همین مواجهه با هوادار است. علیرضا منصوریان مربی بی‌تجربه‌ای در رابطه با هواداران نیست و عمری را در استقلال بازی کرده و سپس مربیگری را در استقلال تجربه کرده اما منصوریان در مربیگری تجربه‌های موفقی با هواداران ندارد و اطوار مربیگری‌اش هرگز منجر به توجه مثبت هواداران نشده و با سیاق اطوارهایش بیش از آنکه جذابیت بسازد، هواداران و رسانه‌ها را به انتقاد وادار کرده است. منصوریان گرایش چندانی به تغییر ندارد و هر چه هست و نیست به بخشی از شخصیت مربیگری او تبدیل شد و گریزی از آن ندارد.

منصوریان در مربیگری دچار اغراق در نمایش مربیگری است و این اغراق در فصلی که مربی استقلال بود بیش از همیشه به او آسیب زد و در تراکتور نیز آسیب‌ها تکرار شدند.

مربیان انگار یکی یکی در تراکتور درس می‌گیرند و برکنار می‌شوند. شاید به همین دلیل فرهاد مجیدی ترجیح داد به پیشنهاد زنوزی پاسخ منفی بدهد.